

مالیات مردم کجا مصروف می شود و چرا مالیات پرداخت کنیم؟!

غلامحسین دوانی

عضو انجمن حسابداران خبره امریکا

کارشناس ارشد مالیاتی

فرار مالیاتی هر گونه اقدام غیرقانونی برای کمتر نشان دادن مالیات و کمتر پرداختن مالیات تعریف شده است . اما مالیات یک هزینه اجتماعی است که شهروندان (مؤدیان مالیاتی) پرداخت می کنند تا دولت بتواند وظایف مندرج در قانون اساسی (میثاق بودجه ای ملت) اعم از «برقراری رفاه اجتماعی، آموزش رایگان، سلامت عمومی، امنیت اجتماعی و حراست از مرزها» را انجام دهد، وفق حقوق مالیاتی این حق هم برای پرداخت کنندگان مالیات محفوظ است تا از دولت سؤال کنند که منابع مالیاتی کجا و چقدر خرج شده است؟. در جهان پیشرفته کنونی که مدت هاست بحث هوش مصنوعی جایگزین تصورات موهوم و رویای صادقانه و خرافاتی شده ، دولت ها برای ایجاد توسعه پایدار متضمن «حقوق نسل های آتی» از خام فروشی منابع زیرزمینی منجمله نفت و گاز دست برداشته و به درآمدهای پایدار که اساس آن مالیات است روی آورده اند. اما این روی آوری الزاما دارای قاعده و مقررات خاصی است که در مقوله جدیدی بنام « حکمرانی مالیاتی » تعریف شده است . حکمرانی مالیاتی به عنوان یکی از زیر شاخه های « حکمرانی خوب » دارای مختصات ویژه ای نظیر پاسخگوئی مالیاتی ، مصروف نمودن منابع مالیاتی در چارچوب ارتقای معیشت مردم « و نه جبران بی کفایتی و یا کسری منابع موسسات مالی – اعتباری متعلق به خودی ها » می باشد. دسترسی آسان و ارزان دولت ها به منابع نفتی باعث شده که متاسفانه دولت ها بویژه در دوره جهل ساله اخیر رسالت اجتماعی و مسئولیت خود در قبال شهروندان را به ریخت و پاش و بی انضباطی کستده و فساد مالی از ثروت بین النسلی گذرانیده بطوریکه حاصل مصروف نمودن حدود ۹۰۰ میلیارد دلار منابع نفتی حدود ۲۸,۲ درصد خانوارهای بدون شاغل در سال ۱۳۹۸ می باشد

ردیف	دوره تاریخی	کل درآمد-میلیارد دلار	مدت-سال	درآمد درصد به کل
۱	کل دوره ۱۳۹۷-۱۲۸۷	۱,۵۵۷	۱۰۹	۱۰۰
۲	دوره ۱۳۵۷-۱۲۸۷	۱۴۰	۷۰	۹
۳	۱۳۵۸-۱۳۹۶	۱,۳۱۹	۳۸	۸۴,۷
۴	۱۳۵۸-۱۳۶۰	۲۵,۸	۳	۱,۷
۴	۱۳۶۱-۱۳۶۸	۱۱۰,۶	۸	۷,۱
۵	۱۳۶۸-۱۳۷۶	۱۴۱,۷	۸	۹,۷
۶	۱۳۷۶-۱۳۸۴	۱۵۷	۸	۹
۷	۱۳۸۴-۱۳۹۱	۶۱۲	۸	۳۹,۳
۸	۱۳۹۲-۱۳۹۷	۳۰۷	۸	۱۹,۷
۱۰	از زمان کشف نفت تا ۱۳۸۴	۵۷۵	۹۷	۳۶,۹

نمایه خانوارهای فاقد شاغل ایران سنوات ۱۳۸۵-۱۳۹۸

۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
۱۶,۷	۱۷,۳	۱۸,۳	۲۱,۶	۲۲,۵	۲۱	۲۳,۳
۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
۱۲۴	۲۳,۷	۲۶,۴	۲۶,۶	۲۶,۸	۲۷,۱	۲۷,۹

اگر آمارهای فوق را با تعداد میلیاردرهای ایرانی در سال $۲۰۰۰=۱۳۹۹$ که برابر ۱۰,۹۰۰ نفر و در سال $۲۰۱۴=۱۳۹۳$ به ۳۲,۱۰۰ نفر افزایش داشته «منبع مجله فوربس سال ۲۰۱۷» مقایسه کنیم اوج انارشی هاله ای سیاست اقتصادی ناشی از اعمال یارانه بی هدف ، مردم ستیزی و نابسامانی سوار بر نابرابری اجتماعی هویدا می شود که تبلور آن اوج بیکاری جوانان در ماهشهر و آبادان و نبود دسترسی مردم در آب آشامیدنی ب دارا بودن ۱۷ کارخانه پتروشیمی در ماهشهر و بزرگترین پالایشگاه کشور در آبادان « شهری که روزگاری عروس

خاورمیانه و مایع فلوراید در آب تصفیه شده به کار می بردند و در حال حاضر متروکه محروم نام دارد « می باشد

بر همین اساس از آنجاکه بر اساس سیستم «حکمرانی خوب» که بر پایه پاسخگوئی و حسابدی استوارست ، رابطه ملت-دولت، یک رابطه وکیل و موکل و مباشرتی بوده و دولت‌ها برای شفافیت و ارائه عملکرد خود، گزارش خرج درآمدهای کشور را که عموماً همان درآمد مالیاتی است، به‌طور مرتبط به مردم و افکار عمومی ارائه می‌کنند. بدیهی است اگر این ارقام با واقعیات عینی ملموس در ذهن شهروندان (مؤدیان مالیاتی) همخوان باشد میل به پرداخت مالیات بیشتر و مالیات‌گریزی کمتری صورت خواهد گرفت. البته نتیجه همخوانی آمار دولت با واقعیات ملموس، «دسترسی آسان مردم به حوزه درمان و سلامت، تحصیلات مجانی تا دوران دبیرستان و تحصیلات ارزان دانشگاهی یا مجانی در بیشتر کشورهای اروپای شمالی و اسکاندیناوی است» ، نه شعارپردازی‌های دولت مردان متوهمی که مدعی هستند «سیستم درمان ایران از کشورهای پیشرفته بهتر است» .

برای مثال، گزارش خرج کرد درآمد مالیاتی دولت انگلستان در سنوات ۲۰۱۶-۲۰۱۷ نشان می‌دهد بیش از ۵۰ درصد و در امریکا طی همین سال بیش از ۴۳ درصد بودجه مصروف «خدمات تأمین اجتماعی، درمان و سلامت عمومی، آموزش، محیط‌زیست و فرهنگ» می‌شود و رقمی هم به نهادهای غیرپاسخگو، کتابخانه‌های شخصی افراد یا برای بازپرداخت وجوه غارتی مؤسسات مالی-اعتباری ورشکسته تخصیص داده نمی شود..

با چنین اوصافی سوال مشخص این است که چگونه از اقتصاد با نرخ بالای منفی می خواهیم مالیات ستانی نمائیم؟! و چگونه کسری بودجه را با مالیات جبران خواهیم نمود؟! نگاهی به نمایه‌زیر که مالیات های وصولی طی سنوات ۱۳۹۷-۱۳۹۰ نشان می دهد بیانگر رشد بی سابقه درآمدهای مالیاتی همزمان با اوج بی سامانی اقتصاد و کاهش فوق العاده قدرت خرید مردم از یکطرف و رکود کامعه کاروتولید از طرف دیگر بوده است . اگر چه واقعیت های طرح جامع مالیاتی نشان دهنده عمق فرار مالیاتی و مالیات گریزی بویژه دانه درشت ها دار اما متاسفانه بهره برداری از همین درآمدهای مالیاتی نیز به درستی صورت گرفته که تدقیق در نمایه های بدون شرح فوق حکایت اوصاف اقتصادی است .

ششماه ۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	منبع مالیات
۲۲۷۰۵۵۷	۵۵۷۰۲۹۱	۴۹۷۰۱۶۳	۴۲۰۰۹۱۱	۳۵۹۰۱۹۹	۲۷۷۰۸۸۳	۲۴۸۰۲۷۷	۲۲۰۰۴۱۷	مالیتهای مستقیم
۲۰۱۰۹۳۷	۴۰۵۰۷۹۴	۳۳۸۰۰۸۴	۲۴۶۰۷۴۷	۲۱۷۰۰۲۶	۱۳۵۰۹۶۹	۷۰۰۴۸۵	۶۰۰۱۰۵	مالیات بر کالا و خدمات
۴۲۹۰۴۹۴	۹۶۳۰۰۸۵	۸۳۵۰۲۴۷	۶۶۷۰۶۵۸	۵۷۶۰۲۲۵	۴۱۳۰۸۵۲	۳۱۸۰۷۶۲	۲۸۰۰۵۲۲	مالیات مستقیم و مالیات بر کالا و خدمات
۹۰۰۰۷۶	۱۷۷۰۰۶۵	۱۳۹۰۹۷	۱۱۵۰۶۶۱	۱۲۳۰۵۲۸	۹۳۰۴۹۳	۵۱۰۵۶۴	۵۳۰۴۸۸	عوارض ارزش افزوده
۵۱۹۰۵۷۰	۱۰۱۴۰۰۱۵۰	۹۷۵۰۲۱۷	۷۸۳۰۳۱۹	۶۹۹۰۷۵۳	۵۰۷۰۳۴۵	۳۷۰۰۳۲۶	۳۴۴۰۰۱۰	کل مالیات بر ارزش افزوده

نمایه اصلی بودجه سال ۱۳۹۹ نشان می دهد که از منابع بودجه عمومی ۴۸۴ هزار و ۵۹۷ میلیارد تومانی سال آینده، ۵۴ درصد از آن (۲۶۱ هزار میلیارد تومان) را درآمدهایی چون درآمد مالیات، درآمدهای حاصل از فروش اموال دولتی، فروش کالا و خدمات دولتی، جرایم و خسارات و سایر درآمدها تشکیل می دهد. ۲۱ درصد از آن (۹۹ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان) را واگذاری دارایی های سرمایه ای شامل نفت و فرآورده های نفتی و فروش اموال منقول و غیرمنقول تشکیل می دهد و درنهایت ۲۶ درصد از آن (۱۲۴ هزار میلیارد تومان) را نیز واگذاری دارایی های مالی شامل فروش اوراق مالی، واگذاری سهام شرکت های دولتی و منابع صندوق توسعه ملی تشکیل می دهد.

تدقیق در لوایح بودجه سالانه دولت نشان از دوبخش عمده دارند، یک بخش از لوایح بودجه سالانه، عدد و رقم مربوط به بودجه عمومی دولت است و بخش دیگر که کمتر مورد توجه قرار می گیرد بودجه مربوط به "شرکت های دولتی، بانک ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت" است. مجموع این دوبخش عملاً درآمدهای کشور را بلعیده و در مقابل بازوفتی درخور توجه ندارد زیرا در عمل شاهد سنگینی دستگاه فرتوت دولتی و ناتوانی تاریخی بخش خصوصی زیر ضربات سهمگین بخشنامه ای و رانت خواری دولتی ها و خصولتی ها هستیم. مطابق تعریف مندرج در پیوست لایحه بودجه، نام شرکت هایی درج می شود که سهم دولت در مالکیت آنها بیش از ۵۰ درصد باشد، به عبارتی هرچند تغییرات تعداد شرکت های مندرج در این پیوست و عدد و رقم های مربوط به بودجه این شرکت ها، نشانه ای از تصدی گری مستقیم دولت در اقتصاد به حساب می آید، اما دامنه فعالیت ها، مالکیت، تصدی گری و بنگاه داری های دولت محدود به این پیوست و لوایح بودجه سالانه نیست زیرا عملاً صدها

دستگاه و نهاد و موسسه دیگری وجود دارند که از صدقه سر مالیات حقوق بگیران و مالیات بخش خصوصی ادامه حیات دارند. اگرچه این ویژگی مختص به این یا آن دولت قبلی، سابق، اسبق، فعلی و .. نیست اما آنچه نگران کننده است حمایت عملی دولت کنونی از این فرایند بازتولیدی است که در شرایط کنونی حیات و ممات بخش خصوصی را زیر سؤال برده است؟! نگاهی به فرایند خصوصی سازی از سال ۱۳۷۰ و مقایسه آن با بودجه شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۹۹، به خوبی نشان‌دهنده میزان ناکامی دولت در تحقق یکی از اهداف تعریف‌شده برای خصوصی سازی یعنی "کاهش بار مالی دولت" است. به مصداق «آفتاب آمد دلیل آفتاب»، بودجه شرکت‌های دولتی در بودجه سال ۱۳۷۰ رقمی در حدود ۱۲۰۶ میلیارد تومان (معادل حدود ۲۰۱ هزار میلیارد تومان امروز) بود که اندکی بیش از ۶۰ درصد کل رقم بودجه را تشکیل می‌داده که این رقم در بودجه سال ۱۳۹۹ به رقمی در حدود ۱۴۸۴ هزار میلیارد تومان، بالغ شده است که نشان می‌دهد، نسبت به رقم تعدیل شده بودجه شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۷۰ بیش از ۶۳۰ درصد رشد کرده که بیانگر آن است که بودجه شرکت‌های دولتی در این سی سال علیرغم باصطلاح واگذاریهای خصولتی حدود هفت برابر بیشتر شده است. نمایه زیر خلاصه مقایسه ارقام بودجه سنوات ۱۳۷۰ را بقیمت سال ۱۳۹۹ و ارقام بودجه سال ۱۳۹۹ را به میلیارد ریال نمایش می‌دهد:

بخش‌های بودجه	۱۳۷۰	بودجه ۱۳۷۰ به ارزش آذر ۱۳۹۸	لایحه ۱۳۹۹	میزان رشد
رقم کل بودجه	۲,۰	۳۳۶	۱,۹۸۹	۴۹۲%
بودجه شرکت‌های دولتی	۱,۲	۲۰۱	۱,۴۸۴	۶۳۶%
بودجه عمومی دولت	۰,۹	۱۴۵	۴۸۵	۲۳۵%

*توضیح آنکه ارقام بودجه سال ۱۳۷۰ با استفاده از محاسبه‌گر تورم مرکز آمار ایران براساس شاخص تورم تعدیل و معادل ریالی آن (قدرت خرید) در آذر ۱۳۹۸ محاسبه و نمایش داده شده است

نگاهی به نمایه فوق بیانگر آن است که بودجه شرکت‌های دولتی در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹، حدود ۷۵ درصد از کل رقم بودجه را تشکیل می‌دهد که نشان‌دهنده افزایش ۱۵ درصدی سهم بودجه این شرکت‌ها از کل بودجه در مقایسه با سهم بودجه شرکت‌های دولتی از کل رقم بودجه در سال ۱۳۷۰ است. مضافاً میزان رشد بودجه شرکت‌های دولتی از رشد رقم کلی بودجه در دو مقطع زمانی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۹ نیز بیشتر بوده است. اولین نیکه‌گیری از ارقام قفوق آن است که سیاست و پروژه خصوصی‌سازی حداقل از منظر کاهش بار مالی دولت، به

طور مطلق ناکام بوده بطوریکه بار مالی دولت از بابت تامین بودجه شرکت‌های دولتی، به شدت و به طور قابل توجهی، افزایش یافته‌است.

اقای دکتر عادل آذر، رئیس دیوان محاسبات کشور اخیراً هنگام ارائه گزارش وضعیت شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی در صحن علنی مجلس، یادآور شد ۳۸۲ شرکت دولتی شامل ۳۷۱ شرکت، ۹ بانک و دو موسسه انتفاعی در لایحه بودجه سال آینده ردیف بودجه دارند که اگرچه در لایحه بودجه اشاره شده فقط تعداد ۱۰۴ شرکت دولتی «زیان‌ده» هستند، اما عملاً شاهد خواهیم بود که بیش از ۲۰۰ شرکت دولتی زیان‌ده خواهند شد؟! عادل آذر تصریح کرد به گواه اماروارقام «این شرکت‌ها کمک حال بودجه عمومی و دولت نیستند و متأسفانه در حال زمین‌گیر شدن هستند». بنظر نگارنده رئیس دیوان محاسبات ناچار از رعایت مسائل خاص بوده چرا که به گواه همین لایحه بودجه این شرکت‌ها عملاً زمین‌گیر شده و بار مالی آنها بر دوش مردمی قرار گرفته که این شرکت‌ها برای آن مردم تاسیس شده بودند؟! نکته مهم آن است که سهم شرکت‌های دولتی که طی سال‌های گذشته افزایش یافته و در بودجه سال ۹۹ هم این بیشتر شده است؛ به گونه‌ای که ۷۵ درصد از بودجه کشور به شرکت‌ها و ۲۵ درصد به بودجه عمومی اختصاص پیدا کرده، این در حالی است که این بخش عملاً زیان‌ده و با ارزش افزوده پایین سه درصد مالیات کل کشور را تامین می‌کند. البته نظر دیگر ینیز وجود دارد که دولتی‌ها حامدانه شرکت‌های دولتی را زیان‌ده می‌کنند تا خود و اعوان و انصارشان بتوانند به بهانه زیان‌ده بودن این شرکت‌ها را که دارای ظرفیت نهانی بسیاری هستند در معرض فروش قرارداده و خصولتی‌های وابسته به خود این شرکت‌ها را به ثمن بخش خریداری کنند؟

نگاهی گذرا به ارقام کلیدی بودجه نشان دهنده تاثیر عمیق «تحریم و فساد» در ساختار کلان کشور است بطوریکه از یک طرف حجم فرار مالیاتی کشور تا یکصد هزار میلیارد هم اعلام شده و از طرف دیگر دولت در یک سیاست خردگرای به سوی واگذاری دارائیهای مالی از طریق حراج تا سقف ۱۲۴ هزار میلیارد تومان به نومنگلاتورها «نوکیسه گان جدید» است. از نظر حقوقی دولت «مباشر ملت» و در بهترین تعریف «وکیل ملت» که باید در حوزه مباشر وکیل بیشترین منفعت را برای ملت فراهم آورد مضافاً ثروت ملی بین النسلی بوده و دولت نمی‌تواند بهر بهانه ای «حتی تحریم» ثروت بین النسلی را فدای تامین کسری بودجه خود نماید چرا که دولت در اولین گام وظیفه داشته با کوچک کردن بورکراسی و دیوانسالاری دولتی و جمع آوری بساط مشاوران صد شغله فامیلی و بالتبع کاهش هزینه های جاری دولت، بودجه را متوازن نماید که در صورت تحقق این امر خود بزرگترین صرفه جوئی در بورکراسی یک قرن اخیر سامان دولت بوجود می‌آمده است. واقعین آن است ه چنانچه دولت بخواهد از طیق منابع نفتی تراز مالی خود را به صفر برساند و توازن برقرار شود برای سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ رقم فروش هر بشکه نفت در نقطه سربسر باید به ترتیب ۱۵۵ و ۱۹۴ دلار شود که چنین امری غیر ممکن است «نقل از نشریه آینده نگر شماره آذر ۱۳۹». اما با کمی تدقیق در آمار صادراتی کشور مشخص می‌شود که

با چنین اوصافی سوال مشخص این است که چگونه از اقتصاد با نرخ بالای منفی می خواهیم مالیات ستانی نمائیم؟! و چگونه کسری بودجه را با مالیات جبران خواهیم نمود؟!

دولت در لایحه بودجه ۱۳۹۹ کل کشور برای درآمد حاصل از مالیات نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی، ۱۶ میلیارد و ۶۶۶ میلیون تومان (۱۶۶،۶۶۷ ریال) پیش بینی کرده که با مقایسه با مجموع مالیات پرداختی فقط یک شرکت خصوصی «تولید کننده سیگار» که بالغ بر ۲ هزار میلیارد تومان است، رقمی بمراتب کمتر از ظرفیت اقتصادی این نهادها باشد. این در حالی است که دولت در لایحه بودجه با یک گزینه اولویت دار صادرات روزانه ۵۰۰ هزار بشکه نفت با قیمت هر بشکه ۵۲ دلار را پیشنهاد داده که در صورت تحقق درآمد روزانه فروش نفت ۲۶ میلیون دلار و درآمد سالانه آن حدود ۹،۵ میلیارد دلار می شود

راهکار اساسی کسری بودجه و دست یابی به درآمد پایدار مالیاتی خشکاندن الیگارشی حاکم بر کسب و کار و اجتماع ناشی از «ژن فاسد و فساد» راه اندازی کامل سیستم جامع مالیاتی و گسترش پایه های مالیاتی بر بخش های غیرمولد، شناسایی فراریان مالیاتی و دریافت مالیات از آنان، حذف معافیت های مالیاتی غیرضرور، و برچیدن بساط قاچاق گمرکی و سایر اقداماتی است که بدون اجرای آنها امکان تامین کسری بودجه سنواتی که معضل انجام حکمرانی خوب نیز شده، نمی باشد. تدقیق در آمارهای صادراتی سال ۱۳۹۷ نشان می دهد که کل صادرات کشور با حدود ۱۲۰۰۰ صادر کننده حقیقی و حقوقی رقمی معادل ۴۴ میلیارد دلار بوده که ۱۲۰ شرکت صادراتی ۳۰ میلیارد دلار آنرا به خود اختصاص داده و ۶۴۴۷ شرکت و شخص جدید الولاده که برای اولین بار وارد عرصه صادرات و دسترسی به ارز دولتی شده اند که چنانچه این رقم را با حجم قاچاق ۱۵ میلیارد دلاری جمع کنیم رقمی بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار در چرخه معیوب اقتصاد مشمول مالیات قرار نگرفته اند و در چتر و پناه معافیت صادراتی بسر برده اند؟! «همان منبع». با توجه به اینکه صادر کنندگان کالا و خدمات الزامی به انتقال ارز به داخل کشور و مبادله ارز در سامانه نیما و سنا ندارند «زیرا حداکثر معافیت مالیاتی صادر کنندگان را استفاده نخواهند کرد» لذا پیشنهاد می نماید دولت خوراک کارخانجات پتروشیمی و سایر کارخانجات صادراتی که از مواد اولیه و خوراک دولتی استفاده می کنند، را به قیمت ارز بازار آزاد محاسبه تا علاوه بر مجازات قانونی آنها، دولت بتواند به سهم درآمدی خود از این بابت دست یابد و ناچار نباشد مرتباً به سفره و معیشت مردم تعرض نماید؟!

راهکار اساسی کسری بودجه و دست یابی به درآمد پایدار مالیاتی خشکاندن الیگارشی حاکم بر کسب و کار و اجتماع ناشی از «ژن فاسد و فساد» راه اندازی کامل سیستم جامع مالیاتی و گسترش پایه های مالیاتی بر بخش های غیرمولد، شناسایی فراریان مالیاتی و دریافت مالیات از آنان، حذف معافیت های مالیاتی غیرضرور،

وبرچیدن بساط قاچاق گمرکی وسایر اقداماتی است که بدون اجرای آنها امکان تامین کسری بودجه سنواتی که معضل انجام حکمرانی خوب نیز شده ، نمی باشد

نتیجه آنکه نظام حکمرانی مالیاتی، بدون پاسخگویی و شفاف سازی نمی تواند شهروندان را مجبور به پرداخت مالیات کند، زیرا دیر یا زود مالیات دهندگان آنان را بازخواست خواهند کرد و «سیه روی شود هر که در او غش باشد». بررسی نظام های حکمرانی مالیاتی متضمن «حکمرانی خوب» نشان می دهد نخستین درجه مطلوبیت یک نظام مالیاتی «حقوق مؤدیان یا مالیات دهندگان یا شهروندان مالیاتی» است. چارچوب مفروضات بنیادین حاکمیت مالیاتی شامل «شفاف سازی، پاسخگویی، عدالت و انصاف مالیاتی» بوده که امروزه به یک تئوری عملی تبدیل شده است. مختصات این نظام در «دادرسی مستقلانه و بی طرفانه مالیاتی» استوار است که همه مؤدیان مالیاتی را یکسان فرض می کند و بحث خودی و غیر خودی در این تئوری جایگاهی ندارد.

در چنین سیستمی مؤدی مالیاتی حق دارد بداند چرا مشمول مالیات شده است. حق دارد به اسناد و مدارک متضمن تشخیص مالیات دسترسی داشته باشد. باید بتواند خود یا وکیل مالیاتی او در دادرسی مالیاتی حضور یابد و طالب رفتار منصفانه مأموران مالیاتی «به عنوان خدمه دولت» باشد. از طرف دیگر شهروندان مالیات پذیر باید بدانند مالیات پرداختی آنان مصروف چه چیزهایی و در کجاها خرج شده است.

این پرسش خواهی مؤدیان و الزام به پاسخگویی دولت در قلمرو «حقوق مالیاتی» گنجانده می شود که متأسفانه هنوز در ایران دولت و حاکمیت به آن تن در نداده است. پاسخگونبودن دولت، ریشه در مناسبات ماقبل سرمایه داری و تفکر ارباب-رعیتی دارد که هم مخالف «حقوق شهروندی در قلمرو مالیاتی» و هم مغایر مفروضات حکمرانی مالیاتی به عنوان بخشی از ساختار حکمرانی خوب است.